

بررسی مشکلات و آسیب‌های اجتماعی ساکنین مناطق حاشیه‌ای

(مطالعه موردی: شهر تبریز)

^۱ کسری رهبری پور

^۲ بهنام قاسم زاده

^۳ معصومه یاوری کلور

^۴ رقیه سالک قهفرخی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۶

چکیده

مقدمه: امروزه گسترش بی‌رویه حاشیه‌نشینی یکی از مشکلات عمده و اساسی در امور مدیریت شهری است که نمی‌توان نسبت به آن بی‌تفاوت بود. از آنجا که حاشیه‌بر متن تأثیر مستقیم دارد، اتفاقات سال‌های اخیر نشان داده، افرادی که در حاشیه‌ی کلان‌شهرها ساکن شده‌اند و در بیش‌تر موارد از شهرهای کوچک‌تر و حتی از کشورهای اطراف مهاجرت نموده‌اند، با ورودشان به کلان‌شهرها معضلاتی مانند بیکاری، مشکلات اجتماعی، فرهنگی و ... را به دنبال دارند. از سوی دیگر حاشیه‌نشینی معضلی است که باید به حل جدی و فوری آن اهتمام گردد زیرا مشکلات این‌گونه، متن شهر را نیز تحت تأثیر قرار داده و میزان رشد و پیشرفت آن را تا حد قابل توجهی کاهش می‌دهد. روش: در تحقیق حاضر به اقتضای موضوع از روش‌های مشاهده و مصاحبه و با توجه به امکانات، روش پیمایشی^۵ به منزله‌ی مناسب‌ترین روش برای گردآوری اطلاعات مد نظر قرار گرفت. چهارچوب تئوریک و سؤال‌های تحقیق نیز، به‌کارگیری روش‌های مشاهده و مصاحبه و روش پیمایشی و آزمون *T-test* تک‌متغیره برای گردآوری و آنالیز داده‌ها بیشتر امکان‌پذیر می‌سازد.

۱- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، تبریز، ایران (نویسنده مسؤول)

Kasra.Rahbaripour@gmail.com

۲- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، تبریز، ایران

۳- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، تبریز، ایران

۴- دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه مازندران

نمونه آماری این تحقیق را ۳۰۰ نفر از خانواده‌هایی که در مناطق حاشیه نشین زندگی می‌کنند تشکیل می‌دهد. روش نمونه‌گیری، به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده است. نمونه‌های تحقیق به شکل تصادفی ساده از ۵ محله‌ی عباسی، قراملک، طالقانی، شمس‌آباد، یکه دکان انتخاب شده‌اند. یافته‌ها: نتایج تحقیقات نشان داد که افرادی که در مناطق حاشیه نشین زندگی می‌کنند از لحاظ مشکلات اقتصادی، اجتماعی، زیستی، رفاهی - تفریحی، بهداشتی، آموزشی و انحرافات اجتماعی در مناطق حاشیه نشین رنج می‌برند؛ و این مشکلات در این مناطق بیشتر از مناطق شهری می‌باشد. واژگان کلیدی: حاشیه نشین - حاشیه نشینی - آسیب‌های مناطق حاشیه نشین - شهر تبریز

مقدمه و بیان مسأله

شهر، دارای یک آستانه جمعیتی است و هدف آن برآوردن نیازهای آن جمعیت است. رشد جمعیت در کشورهای توسعه یافته نظم نسبی یافته است ولی این امر در کشورهای در حال توسعه به علت مهاجرت‌های بی رویه چندان سازماندهی نشده است (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۲). شکل‌گیری حاشیه نشینی در ایران با وجود ویژگی‌های منحصر به فرد خود و تفاوت‌هایی که با سایر کشورهای در حال توسعه دارد ریشه در توسعه برونزا و رشد بسیار سریع شهرنشینی دارد، که آغاز آن به طور تقریبی مقارن با سال‌های آغازین ۱۳۰۰ می‌باشد (حسامیان و همکاران، ۱۳۷۷: ۳۷).

بنا بر گزارش سال ۲۰۰۱ مرکز اسکان بشر ملل متحد حدود بیست درصد جمعیت شهری جهان در فقر مطلق به سر می‌برند و امروزه در آسیا تعداد فقرای شهری بیش از میزان آن در نیمه دوم دهه ۹۰ میلادی می‌باشد. همچنین کمیسیون جهانی آینده شهرها در قرن ۲۱، هشدار داده که به موازات رشد ابر شهرها فقر شهری در کشورهای جنوب در حال افزایش است و بخش عمده‌های از رشد شهرنشینی بر پایه‌ی اقتصاد غیررسمی همراه با گسترش سکونت گاه‌های غیررسمی صورت خواهد گرفت و این گرایش را «رسمی شدن شهرنشینی» نامیده است. از این رو می‌بینیم که حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی، مسأله‌ای گذرا و با ابعاد محدود نبوده و توافقی بر بقای باز تولید و بسط آن وجود دارد که حاکی از عدم کفایت راه حل‌ها و سیاست‌های متداول شهری است و رهیافت‌ها و اقدامات نوینی را می‌طلبد (صرافی، ۱۳۸۳).

اولین فردی که اصطلاح حاشیه‌نشینی و انسان حاشیه‌نشین را به کار برد رابرت. ای. پارک^۶ بود او در مقاله‌ی «مهاجرت بشر و انسان حاشیه‌نشین» این مفهوم را چنین شرح می‌دهد: انسان حاشیه‌نشین فردی است که از لحاظ فرهنگی، انسانی دو رگه است که صمیمانه در زندگی فرهنگی دو جمعیت متمایز زندگی می‌کند و با هر دو آن‌ها شریک است، مایل نیست از گذشته خود بگوید و هنوز همه ابعاد جامعه میزبان را نپذیرفته است (پارک، ۱۹۳۷: ۱۸۱).

بنا بر اعلام مرکز اسکان بشر ملل متحد در سال ۱۹۹۶ حدود ۲۵ درصد جمعیت جهان فاقد خانه‌ای در شأن زندگی انسانی بوده‌اند که در برگیرنده‌ی دامنه‌ی گسترده‌ای از بی‌سرنها و خیابان‌خواب‌ها تا آلونک‌نشینان بوده و این نسبت برای کشورهای جنوب در حال افزایش است. در بسیاری از شهرهای رو به رشد سریع در کشورهای در حال توسعه، بخشی از جمعیت هستند که نه در ساختمان‌های آپارتمانی مدرن زندگی می‌کنند و نه در خانه‌های مناسب بلکه در یک محیط کاملاً مغایر با شئون انسانی زندگی می‌کنند که بدون برنامه‌ریزی و در شکل سکونت‌گاه‌های غیرقانونی، فاقد خدمات شهری و خانه‌هایی که در شروع چیزی بیش از یک کلبه نیستند (پاتنی و همکاران، ۱۹۸۱).

بخش مهمی از ساکنان شهرهای بزرگ جهان که در مناطق حاشیه‌ای، زاغه‌ها، گتوها و امثال آن‌ها به سر می‌برند، با شرایط نامساعدی مواجه هستند. گزارشی از سازمان ملل متحد، در سال ۱۹۹۸، اعلام نموده است: «در مناطق شهری پرتراکم، هر ساله، ۱۰ میلیون نفر به دلیل اوضاع و شرایط نابسامان زندگی، نظیر مسکن غیراستاندارد و بهداشت نامناسب، جان می‌سپارند» (احمدیان، ۱۳۸۲).

از ویژگی‌های جمعیتی حاشیه‌نشینان نبود شغل دائم سرپرست خانوار مشکل مالی و کمبود درآمد؛ نداشتن خانه و مسکن مناسب؛ محیط بد اجتماعی و فرهنگی این محلات؛ کمبود امکانات رفاهی و تفریحی برای فرزندان؛ انحرافات اجتماعی زیاد از جمله اعتیاد؛ نبود امنیت (به ویژه برای دختران) و هم‌چنین در بیان مهم‌ترین مسایل و مشکلات محلات حاشیه‌نشین به مواردی نظیر کمبود بهداشت و سرپوش نبودن جوی‌ها و فاضلاب‌های محله، کمبود امکانات رفاهی، فرهنگی و آموزشی، نداشتن آب

۶ - R.E.Park

۷ - Peattie et al

لوله‌کشی مناسب، شلوغی محله‌ها، تراکم جمعیتی زیاد، بافت روستایی چند قومی و فرهنگی بودن محله و ... می‌باشد.

یکی از اولویت‌های مدیریت شهری توجه به مناطق حاشیه نشین است که این امر در کالبد شهری تبریز به دست فراموشی سپرده شده است و با مهاجرت بی رویه روستاییان به شهرها، هم چنان شاهد افزایش روند حاشیه نشینی در این کلان شهر هستیم. در حال حاضر از جمعیت ۶/۱ میلیون نفری تبریز بیش از ۴۰۰ هزار نفر آن در حاشیه های شهر زندگی می‌کنند. این در حالی است که شمار زیادی از این حاشیه نشینان در شمال و شمال غربی و همین طور جنوب تبریز در کنار ساخت و سازها و برج‌های سر به فلک کشیده مستقر هستند و بدین شکل وجود چنین مناطقی در کنار جلوه‌هایی از شهرسازی جدید، چهره متفاوتی را به این مناطق تبریز بخشیده است. با این وجود اولویت ساخت و ساز و نظارت بر دکوراسیون شهری در تبریز بیشتر به مکان‌هایی اختصاص داده می‌شود که معمولاً مورد توجه بنگاه‌های بزرگ ساخت و ساز باشد، در صورتی که رسیدگی و شناخت برای باز کردن گره حاشیه نشینی می‌تواند چهره شهر تبریز را دگرگون و از بروز بسیاری از مشکلات نیز جلوگیری کند(انصاری، ۱۳۸۸).

در حال حاضر بیش از ۲ هزار و ۵۰۰ هکتار از بافت شهری تبریز فرسوده است که وجود این مشکلات در کنار معضل حاشیه نشینی تهدید جدی برای شهر تبریز از لحاظ موقعیت اجتماعی و اقتصادی و تاریخی محسوب می‌شود که نیازمند توجه بیشتر مسئولان استانی و دولتی است. شهردار تبریز با اشاره به وجود ۲ هزار و ۵۰۰ هکتار بافت‌های فرسوده در این شهر گفت: در صورت تخصیص اعتبارات ویژه از سوی دولت برای احیای بافت‌های فرسوده مشکلات مالی و انسانی و خسارات وارده ناشی از آن رفع می‌شود. «علیرضا نوین» با ابراز نگرانی از نبود اعتبارات مالی و تخصیص نیافتن اعتبارات کلان برای احیای بافت‌های فرسوده خاطرنشان کرد: با وجود حجم بالای بافت‌های فرسوده موجود در شهر تبریز و برنامه ریزی‌های جامع و کلان برای احیای این بافت‌ها از سوی شهرداری، تنها قادر به مدیریت و احیای ۲۰ درصد بافت‌های موجود هستیم و باید برای تحقق این اهداف دولت وارد عمل شود. بدیهی است با افزایش رو به رشد جمعیت شهری در حال حاضر و

در چند دهه آینده با مشکل اسکان و سرریز جمعیت مواجه خواهیم بود بنابراین برای رفع این مشکل اتخاذ سیاست‌های توسعه شهری ضروری است (همان).

اهمیت و ضرورت تحقیق

مهاجرت روستاییان و ساکنان شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ موجب تراکم جمعیت در چند شهر بزرگ شده که این خود افزایش سریع بهای مسکن و اجاره مسکن و روی هم رفته بالا رفتن سطح کلی قیمت‌ها و ناعادلانه تر شدن توزیع ثروت‌ها و درآمدها در جامعه را به دنبال داشته است مهاجرت افراد از کشورهای همسایه به ایران به علت ناآرامی‌های سیاسی و نابسامانی‌های اقتصادی در آن کشورها نیز خود موجب شکاف بین عرضه و تقاضا را تشدید می‌کند. مهاجران با روی آوردن به شهرهای بزرگ به علت وجود امکانات بیشتر و بهتر باعث حاشیه نشینی و آلونک نشینی در اطراف شهرها می‌شوند و در سایه‌ی تفاوت‌های فرهنگی، درک متقابل و مناسبی نیز میان مهاجران و ساکنان به وجود نمی‌آید و بنابراین ناهنجاری‌هایی در زمینه‌ی شهرنشینی بروز می‌کند. بنابراین با آگاهی از این ناهنجاری‌ها و بررسی مسایل اجتماعی پیرامون جامعه بهتر می‌توان در جهت شناخت از مشکلات و راه‌های فایق آمدن بر آن‌ها گام‌های اصولی برداشت.

اهداف تحقیق

- ۱- شناخت و بررسی مشکلات اقتصادی در مناطق حاشیه نشینان شهر تبریز
- ۲- شناخت و بررسی مشکلات اجتماعی و فرهنگی در مناطق حاشیه نشین شهر تبریز
- ۳- شناخت و بررسی مشکلات زیست محیطی در مناطق حاشیه نشینان شهر تبریز
- ۳- شناخت و بررسی مشکلات رفاهی - تفریحی مناطق حاشیه نشین شهر تبریز
- ۴- شناخت و بررسی مشکلات بهداشتی مناطق حاشیه نشینان شهر تبریز
- ۵- شناخت و بررسی مشکلات آموزشی مناطق حاشیه نشینان شهر تبریز
- ۶- شناخت و بررسی معضلات اجتماعی مناطق حاشیه نشینان شهر تبریز

پیشینه‌ی تحقیق

با توجه به جهانی شدن معضل حاشیه نشینی و پیامدهای مربوط به آن در شهرها، و نیز وجود مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی ناشی از همین مسأله، مطالعات مختلفی در این زمینه و در نقاط مختلف انجام شده و چالش‌های حاشیه نشینی را از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده اند که سعی می‌شود به صورت خلاصه، بعضی از این مطالعات مورد اشاره قرار گیرند. برای مثال ابراهیم زاده و همکاران (۱۳۸۳)، در تحقیقی با عنوان «حاشیه نشینی؛ ناهنجاری‌های شهری و راهکارهای تعدیل آن در کریم آباد زاهدان» بالا بودن بعد خانوار (۷/۲ نفر) و به تبع بالا رفتن بار تکفل، بالا بودن نرخ بیسوادی و سطح پایین تحصیلات، وجود پیوندها و ارتباطات اجتماعی ضعیف، فقر فرهنگی، وجود مشکلات مالی و وضعیت اقتصادی ضعیف، ایجاد نارضایتی از زندگی در بین اهالی این منطقه، وجود ناهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی، بالا بودن نرخ بیکاری و کاهش بسیار شدید شاغلین بخش کشاورزی و افزایش مشاغل کاذب نظیر دست فروشی، کوپن فروشی، دوره گردی را از چالش‌های اساسی پدیده حاشیه نشینی می‌داند. هم چنین اسداللهی و ناطق پور (۱۳۸۵)، در مطالعه ساختار اجتماعی مناطق حاشیه نشین شهر ایلام، بالا بودن بعد خانوار، بالا بودن میزان مهاجرت، استاندارد نبودن خدمات اولیه شهری، استاندارد نبودن مصالح ساختمانی به کار رفته در مسکن حاشیه نشینان، پایین بودن سطح سواد و ثبات تحصیلی، پایین بودن خدمات بهداشتی درمانی را از چالش‌های حاشیه نشینی می‌دانند. در همین زمینه، زنگی آبادی و همکاران (۱۳۸۴)، نیز در مطالعه پدیده حاشیه نشینی در شهر اصفهان، با چالش‌هایی از قبیل، بالا بودن نرخ بیکاری، پایین بودن سطح درآمد، بی سوادی یا کم سوادی و فقدان تخصص فنی و حرفه ای، عدم بهره‌مندی از آموزش برای فراگیری مهارت‌های مورد نیاز جامعه روبرو شدند. محمودی (۱۳۸۶)، چالش‌های عمده حاشیه نشینی در کشور را شامل، تحمیل هزینه‌های پیش بینی نشده و سنگین، توسعه آثار منفی زیست محیطی و عقب ماندن از توسعه پایدار، افزایش روند جذب در حاشیه‌های شهری به رغم وجود معضلات انباشته قبلی و چالش‌های اجتماعی و فرهنگی شهری می‌داند. با توجه به مطالعات نقدی (۱۳۸۲)، در همدان نیز، موارد بی مسکنی و بد سکنی، عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم و بهداشتی، معضل دفع زباله و عدم بازیافت آن، گسترش آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، مشکل توزیع عادلانه تر امکانات و خدمات شهری مورد نیاز

شهروندان، مسأله تأمین کار و درآمد برای همه آحاد شهروندان، انواع نارضایتی‌های جمعی و ظهور پدیده‌ی وندالیسم و احساس عدم تعلق و بیگانگی با شهر، چالش‌های عمده حاشیه نشینی را شامل می‌شدند. این چالش‌ها در مطالعات نقدی و صادقی (۱۳۸۵)، نیز به وضوح مشخص است. به طور مثال، وجود بافت چند قومیتی، بالا بودن نرخ رشد جمعیت، غیر استاندارد بودن مسکن، مشکلات مالی و کمبود درآمد، بالا بودن نرخ بیکاری، نداشتن شغل دائم سرپرست و وجود مشاغل کاذب، نارضایتی اجتماعی از وضعیت زندگی، عدم رسیدگی شهرداری به مناطق، پایین بودن مشارکت اجتماعی و عدم تعلق روحیه شهروندی، وجود آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد، نبود امنیت به ویژه برای دختران و کمبود امکانات رفاهی تفریحی برای فرزندان از چالش‌های اصلی حاشیه نشینی در مطالعات نقدی و صادقی بوده است. در جدول شماره ۱ خلاصه‌ای از تحقیقات انجام گرفته در مورد حاشیه نشینی آورده شده است.

جدول شماره ۱- خلاصه‌ای از پیشینه‌ی تحقیقات انجام گرفته

نام پژوهشگر	موضوع	روش مطالعه	عوامل مثبت	عوامل منفی
ابراهیم زاده و همکاران (۱۳۸۳)	حاشیه نشینی، ناهنجاری‌های شهری راهکارهای تعدیل آن	پیمایشی، مطالعه‌ی موردی در کریم آباد زاهدان	ندارد	بالا بودن بعد خانوار و باطنج بالا بودن بار تکفل، بالا بودن نرخ بی سواد و سطح پایین تحصیلات، وجود پیوندها و ارتباطات اجتماعی ضعیف، فقر فرهنگی و ... از چالش‌های اساسی پدیده‌ی حاشیه نشینی است.
اسد الهی و ناطق پور (۱۳۸۵)	ساختار اجتماعی مناطق حاشیه نشین	مصاحبه	ندارد	بالا بودن بعد خانوار، بالا بودن مهاجرت، استاندارد نبودن مصالح ساختمانی به کار رفته در مسکن، پایین بودن سطح سواد از چالش‌های حاشیه نشینی می‌دانند.
ژنگی آبادی و همکاران (۱۳۸۴)	پدیده‌ی حاشیه نشینی و عوامل ایجاد آن	پیمایشی مطالعه‌ی موردی شهر اصفهان	ندارد	بالا بودن نرخ بیکاری، پایین بودن سطح درآمد، فقدان تخصص فنی و حرفه‌ای، عدم بهره‌مندی از آموزش برای فراگیری مهارت‌های مورد نیاز جامعه
سید رضا صالحی امیری و زهرا خدائی (۱۳۸۹)	ویژگی‌ها و پیامدهای اسکان غیر رسمی و حاشیه نشینی شهری	مطالعه‌ی موردی کلان شهر تهران	کلان شهر تهران، نقش عمده‌ای در توسعه‌ی اقتصاد ملی بر عهده دارد.	اسکان غیر رسمی و گسترش فضایی نامنظم و بی رویه، آسیب‌های اجتماعی مختلفی را به وجود آورده است.
هلنا آکلن، ماریا اندرسون (۲۰۰۸)	روش‌هایی برای حل اسکان غیر رسمی	مطالعه‌ی موردی در آفریقای جنوبی	فراهم کردن امکانات و خانه‌های مناسب برای حاشیه نشینان و فقرا، ایجاد فضاهای سبز برای آن‌ها و پایین آوردن قیمت مسکن برای حاشیه نشینان	مسکن برای فقرا خیلی گران است، خانه‌ها در شرایط نامناسب قرار دارند، فضاهایی که خانه‌های حاشیه نشینان در آن ساخته شده است نیاز به ترمیم و بازسازی دارد.

ادبیات نظری تحقیق

صاحب نظران و کارشناسان مسائل شهری تعاریف متعددی از حاشیه نشینی ارائه کرده‌اند برخی مانند چارلز آبرامز حاشیه را به عنوان فرایند تصرف نواحی شهری به قصد تهیه مسکن دانسته است؛ و نیز حاشیه نشینی را در معنای عام شامل تمام کسانی می‌داند که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند. (تعریف اقتصادی) «افرادی که در مناطق حاشیه نشین زندگی می‌کنند از ساخت قدرت و سیاست عمومی جامعه جدایی یافته‌اند و به عنوان گروه پست اجتماعی تلقی می‌شوند. حاشیه نشینان از نظر اجتماعی دارای موقعیتی ضعیف بوده و در طبقه‌ی پایین اجتماع قرار دارند.» (نگرش اجتماعی) خانواده‌های تهیدست و غالباً مهاجر که به تعبیر اسکار لوئیس^۸ در نوعی فرهنگ فقر زندگی می‌کنند. «آنان به طور کامل جذب شیوه‌ی جدید زندگی شهری نشده و در حاشیه‌ی آن به زندگی ادامه می‌دهند» (نگرش فرهنگی) (ابراهیمی و مسگریان، ۱۳۸۷).

جاذبه شهر نشینی و رفاه شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطب‌های صنعتی و بازارهای کار می‌کشاند و اکثر آن‌ها مهاجرین روستایی هستند که به منظور گذراندن بهتر زندگی راهی شهرها می‌شوند. بعضاً حاشیه نشینی را استقرار در زمین‌های غیرقانونی شهری تعریف می‌کنند که به شهرداری‌ها و وزارت مسکن مربوط می‌شود؛ و تعبیری که از حاشیه نشینی ارائه شده است، ساختمان یا بخشی از شهر که در آن ویرانی، نارسایی عرضه خدمات درمانی تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی نظیر سیل دیده می‌شود.

در فارسی اصطلاحات متعددی در ارتباط با حاشیه‌نشینی مورد استفاده قرار می‌گیرد، که عبارتند از: زاغه نشینی، آلونک نشینی، حلبی‌آباد و غیره، که هر کدام مفهوم خاص خود را دارند. در سایر زبان‌ها و فرهنگ‌های جهان نیز اصطلاحات متفاوتی، در این مورد، وجود دارد، مانند: - رانچو^۹ یا فاوولا^{۱۰} در امریکای لاتین؛ بوس^{۱۱} یا کامپوگ^{۱۲} در آسیا؛ بی دونول^{۱۳} یا شانتی تان^{۱۴} در آفریقا. برخی از محققان،

^۸ - Oscar Lewis

^۹ - rancho

^{۱۰} - favela

^{۱۱} - bustee

^{۱۲} - kampong

^{۱۳} - bidonville

^{۱۴} - shanty town

حاشیه‌نشینی را برگرفته از کلمه‌ی اسلام^{۱۵} می‌دانند، و برخی میان حاشیه‌نشینی^{۱۶} و محله‌های فقیرنشین^{۱۷} تفاوت قائل هستند و چنین اظهار می‌دارند: اولی معمولاً ساخت و سازهایی را شامل می‌شود که به طور غیرقانونی، با تخلف از مقررات ساختمانی و یا در زمینی بدون اجازه‌ی صاحب آن، سر برافراشته‌اند و در مقابل، دومی بناهای پایدار هستند که از طریق مجموعه‌ی عواملی مانند سن بنا، مسامحه کاری و متروکه شدن بنا و تقسیم آن به بخش‌های فرعی (که فشار زیادی را بر روی تسهیلات و تجهیزات اساسی بنا تحمیل می‌کند)، در وضعیت زیر استاندارد قرار گرفته‌اند (احمدیان، ۱۳۸۲).

یکی از اصطلاحاتی که در این خصوص به کار برده می‌شود «شانتی تاون» است. فرهنگ جدید جغرافیا درباره‌ی این اصطلاح می‌نویسد: «شانتی تاون به منطقه‌ی مسکونی زیر استاندارد گفته می‌شود، که اغلب به طور غیرقانونی اشغال شده و خاص جهان سوم است. شانتی تاون یا در زمین‌های ناهمواری که در معرض سیل هستند و یا در داخل شهر ایجاد می‌شود...»

تفاوت حاشیه‌نشینی و گتوهای کشورهای پیش‌رفته: اصولاً اصطلاح حاشیه‌نشینی خاص کشورهای در حال توسعه است (ابراهیمی و مسگریان، ۱۳۸۷). کشورهای توسعه‌یافته به دلیل تحولات اجتماعی-اقتصادی متفاوتی که پشت سر گذاشته‌اند، به طور عمده دارای محله‌های فقیرنشین (به عوض حاشیه‌نشین) می‌باشند. این محله‌ها، به لحاظ مکانی، معمولاً در مناطق مرکزی شهرهای بزرگ قرار دارند، یعنی جایی که در سال‌های پس از انقلاب صنعتی، به دلیل استقرار کارخانجات و کارگاه‌های تولیدی، و سکونت کارگران و اقشار کم درآمد در مجاورت آن‌ها، مرغوبیت خود را از دست دادند و به محله‌های کارگری و فقیرنشین تبدیل شدند. این در حالی است که مکان‌گزینی مناطق فقیرنشین، در کشورهای در حال توسعه، اغلب در حاشیه‌ی شهرهای بزرگ صورت گرفته است. آنتونی گیدنز در این باره می‌نویسد: در شهرهای غربی، تازه واردان بیشتر ممکن است در مجاورت قسمت‌های مرکزی شهر سکونت اختیار کنند، اما در کشورهای جهان سوم معمولاً عکس آن اتفاق می‌افتد و مهاجرت در جایی که حاشیه‌ی گندابی^{۱۸} نواحی شهری نامیده شده است، ساکن می‌شوند (احمدیان، ۱۳۸۲).

۱۵ - slum
۱۶ - squatter housing
۱۷ - slums
۱۸ - Septic Fring

بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که حاشیه نشین فردی است مهاجر یا غیر مهاجر که به دلیل فقدان ریاست و تخصص صنفی و نبود بنیان‌های مالی توانمند و طبقه و فرهنگ اجتماعی متناسب با طبقات و فرهنگ متعارف و لازم شهری در حاشیه واقع شده است. این افراد بیشتر به علت عوامل رانش زادگاه خود و کمتر به دلیل عوامل جاذب شهری، زادگاه خویش را ترک کرده و به شهرها روی می‌آورند. آن‌ها به دلیل عدم تطبیق با محیط شهری از یک سو و بر اثر عوامل پس ران شهری از سوی دیگر از محیط شهری پس زده می‌شوند و به تدریج به کانون‌های به هم پیوسته و یا جدا از یکدیگر در قسمت‌هایی از شهر سکنی می‌گزینند به صورتی که محل سکونت و نوع مسکن آن‌ها با محل سکونت متعارف شهری مغایر بوده و مالکیت آن‌ها غالباً غصبی است و همچنین این افراد از نظر وضعیت فرهنگی و اقتصادی نیز با جمعیت شهری تمایز دارند (مسعودی فر، ۱۳۸۳).

مفهوم مرتبط دیگر با حاشیه نشینی مفهوم حاشیه نشینی فرهنگی است. حاشیه نشینی فرهنگی، به حالتی گفته می‌شود که افراد علی‌رغم سکونت در محدوده شهری و بعضاً مرکز شهر با فرهنگ شهروندی آشنا نیستند. شهرنشین به کسی اطلاق می‌شود که در قلمرو مکانی شهر ساکن است و شهروند کسی است که علاوه بر سکونت در محدوده شهری، تابع هنجارهای شهری هم هست بنابراین در حاشیه نشینی فرهنگی بیشتر شاهد افراد شهرنشین هستیم و نه شهروند به طور مثال در چنین شرایطی است که شاهد پرورش حیواناتی نظیر گاو و گوسفند در محدوده شهری خواهیم بود (سپیدنامه، ۱۳۸۲).

در کشورهای توسعه یافته، حاشیه نشینی از الگوهای خاص پیروی می‌کند. این الگوها، همچنان که پیتر هاگت^{۱۹} خاطر نشان کرده است، «از نظر فضایی با جهان سوم متفاوت و به صورت پدیده‌ی گو^{۲۰} است. گتوها که معمولاً از اقلیت‌های مذهبی، قومی و یا زبانی تشکیل شده‌اند، وجوه تشابه زیادی با حاشیه نشینان دارند، که مهم‌ترین آن‌ها جذب نشدن در متن شهرهای غربی است» (ابراهیمی و مسگریان، ۱۳۸۷).

گتوهای شهری در اغلب موارد به وسیله‌ی موانع فیزیکی یا انسانی از بقیه بخش‌های شهری جدا

۱۹ - Peter Haggett
۲۰ - Ghetto

می‌شوند. ناهمواری‌ها، رودها، ایستگاه‌های راه‌آهن، مانداب، گورستان‌ها و فرودگاه‌های قدیمی از آن جمله است.

بزرگ‌ترین گتوهای جهان، که بر اساس تفاوت‌های نژادی شکل گرفته است، در محله‌ی هارلم نیویورک قرار دارد و ساکنان آن را سیاه‌پوستان تشکیل می‌دهند. صرف نظر از گتوها، به طور کلی در مناطق مرکزی شهرهای بزرگ کشورهای توسعه یافته، شرایط نامساعدی برای اقشار کم‌درآمد وجود دارد که به مرور زمان بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود. جیمز روبینشتاین^{۲۱} شرایط نامساعد زندگی در مناطق مرکزی شهرهای آمریکا را توصیف نموده است. وی درباره‌ی بی‌خانمان‌های ایالات متحده آمریکا می‌نویسد: میلیون‌ها آمریکایی شب‌ها در مقابل در خانه‌ها و یا روی شبکه‌های فلزی گرم خیابان‌ها و نیز در ایستگاه‌های اتوبوس و مترو می‌خوابند... دو سوم نوزادان مناطق مرکزی شهرها در ایالات متحده را مادران ازدواج نکرده به دنیا می‌آورند و ۹۰ درصد بچه‌های این مناطق نیز فقط با یکی از والدین خود زندگی می‌کنند... درصد کمی از افراد مستمند به خاطر توانایی برای مراقبت از فرزندان، جدایی از همسر را انتخاب می‌کنند. اگر شوهری مجدداً به خانه برگردد، ممکن است که همسرش، مزایای امدادی را از دست بدهد و بدین طریق خانواده را از نظر اقتصادی، در وضعیتی بدتر از دوره‌ی جدایی قرار دهد.

سیمون چپمن^{۲۲} هشت ویژگی برای مناطق حاشیه نشین و موارد مشابه آن، به شرح زیر، برمی‌شمارد (ابراهیمی و مسگریان، ۱۳۷): عموماً غیرقانونی هستند. غالباً خلق الساعه هستند و از مواد و مصالح مختلف ساخته شده‌اند. معمولاً به وسیله‌ی خود ساکنان احداث شده‌اند. فاقد خدمات شهری مانند راه آسفالته، برق و سیستم دفع فاضلاب هستند. توسعه‌ی آن‌ها بدون برنامه‌ریزی و اغلب به صورت اتفاقی صورت می‌گیرد. مکان‌گزینی آن‌ها اغلب در لبه‌های شهری، حواشی خطوط آهن و بزرگراه‌ها و یا زمین‌های خالی از سکنه‌ای که در مجاورت مناطق مرکزی شهرها قرار دارند، صورت می‌گیرد. معمولاً در مناطق نامناسب شهری (مانند: زمین‌های ناهموار، حواشی کارخانجات، در

۲۱ - James Rubenstein

۲۲ - Simon Chapman

مجاورت زمین‌های رها شده و بلااستفاده) تشکیل می‌شوند. جمعیت متراکم دارند که از خانواده‌های پرجمعیت تشکیل شده است.

آنچه از تعاریف گوناگون برمی‌آید آن است که: حاشیه نشینی در کشورهای در حال توسعه، غالباً از مهاجرین تشکیل می‌شود که بنا به علل مختلف، شهرهای بزرگ را هدف قرار داده‌اند، ولی به دلیل پایین بودن سطح مهارت‌های فنی و فقدان سرمایه‌ی کافی، قدرت ورود به متن اصلی شهر را نداشته و ناگزیر به پذیرش زندگی حاشیه‌ای شده‌اند. مکان‌گزینی این قبیل اجتماعات، اغلب، در زمین‌های نامرغوب و یا اراضی حاشیه‌ی شهرها و به صورت غیرقانونی صورت گرفته است. فقر اقتصادی، پایین بودن سطح سواد و بالا بودن میزان جرائم و کمبود خدمات زیربنایی و مسکن بی‌دوام و خلق الساعه، از خصوصیات مشترک مناطق حاشیه نشین به شمار می‌رود. به عبارت ساده‌تر می‌توان گفت: مناطق حاشیه نشین، محدوده‌های خاصی از شهرها هستند که به لحاظ شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی، تفاوت آشکاری با سایر مناطق شهری دارند (حمیدیان، ۱۳۸۲).

مهم‌ترین نظریه مربوط به پیدایش مناطق حاشیه نشین، نظریه نحوه‌ی استفاده از اراضی شهری است. در این نظریه شکل و نظام فضایی خاصی که شهر به خود می‌گیرد، نتیجه رقابت گروه‌های مختلف شهری در جهت احراز موقعیت شهر به شکل رقابتی است. در این صورت، بازندگان این رقابت در بازی با طبقه ثروتمند، نواحی پست ارزان قیمت را جهت سکونت انتخاب می‌کنند و در نتیجه به ظهور پدیده‌هایی نظیر زاغه نشینی، حاشیه نشینی، حلبی آباد و مانند آن دامن می‌زنند (هاروی، ۱۹۸۳).

لی و بوگ (۱۹۶۰ و ۱۹۸۱) بر نقش عوامل جاذبه و دافعه در ایجاد مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهرنشین و ایجاد حاشیه نشینی تأکید می‌کنند و جی هولزر (۱۹۸۱) و همکاران معتقدند که مهاجرت‌های داخلی به میزان قابل توجهی از فرآیند برنامه ریزی‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و در بعضی موارد الگوهای برنامه ریزی توسعه اقتصادی و اجتماعی، باعث تشدید مهاجرت‌ها به مناطق شهری و ایجاد مناطق حاشیه نشین می‌شود (قرخلو و شریفی، ۱۳۸۴).

برخی از محققان علت عمده پیدایش مناطق حاشیه نشین را مهاجرت افرادی دانسته که به علت وضعیت نامناسب اقتصادی در پی یافتن فرصت‌های شغلی و درآمد بیشتر می‌باشند و از این رو تحقیق در علل

مهاجرت را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند. برای مثال، ریچارد بیلزبرو (۱۹۹۶)، عوامل سیاسی، اقتصادی اجتماعی، و فرهنگی و روان‌شناختی را در مهاجرت مؤثر می‌داند. لوئیز و همکاران (۲۰۰۳)، در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که حاشیه‌نشینان هم دارای شرایط بهداشتی ضعیفی هستند و هم از لحاظ زیرساخت‌ها فاقد امکانات لازم هستند. بنابراین چنین شرایطی باعث می‌شود که شیر تولیدی از این مناطق دارای خطراتی برای جامعه باشد. همچنین یانگ (۲۰۰۰)، در مطالعه‌ی خویش بیان می‌کند زمانی که نحوه‌ی پخش شدن ناعادلانه منابع مادی (مانند غذا و پناهگاه) مورد بررسی قرار می‌گیرد، مهم‌ترین چالش حاشیه‌نشینان به محرومیت مادی آن‌ها مربوط می‌شود و افراد حاشیه‌نشین به همراه منابع مادی، از برنامه‌ها، خدمات و سیاست‌ها نیز محروم هستند.

دیدگاه قشربندی اجتماعی، معتقد است که ارتکاب جرم با وضعیت اقتصادی جامعه ارتباط دارد. این دیدگاه گرچه سابقه طولانی دارد، اما دو نسخه فرعی آن بر تحقیقات مختلف درباره‌ی حاشیه‌نشین و جرم تسلط داشتند. دیدگاه نخست که مدل محرومیت مطلق خوانده می‌شود، بر تأثیر جرم‌زایی، فقدان درآمد مکفی برای تأمین نیازهای معیشتی اولیه تأکید دارد و معتقد است که ارتکاب جرم یکی از منابع و شیوه‌های اصلی کسب معاش برای ساکنان نواحی فقیرنشین است. علاوه بر این، مدل فقر مطلق تأکید می‌کند که تأثیرات استرس‌زا و غیرانسانی زندگی در شرایط نامساعد اقتصادی، ناکامی‌هایی را ایجاد می‌کند که از طریق خشونت‌های جسمی و فیزیکی ابراز می‌شود (مسنر، ۱۹۸۲؛ ویلیامز، ۱۹۸۴؛ بیلی، ۱۹۸۴؛ لوفتین و پارکر، ۱۹۸۵؛ بلاو، ۱۹۸۲). نسخه دیگری از دیدگاه قشربندی اجتماعی، مدل محرومیت نسبی خوانده می‌شود که بیشتر بر ابعاد جرم‌شناختی نابرابری اقتصادی اجتماعی تأکید دارد تا بر فقر مطلق (بلاو، ۱۹۸۲؛ بونگر، ۱۹۱۶؛ مرتون، ۱۹۳۸؛ بریت ویت، ۱۹۷۹).

ایده اساسی مورد تأکید در این دیدگاه، آن است که افراد موقعیت اقتصادی خود را در مقام مقایسه با دیگران ارزیابی می‌کنند و زمانی که افراد احساس کنند که دیگران منابع مطلوب بیشتری را در مقایسه با آن‌ها در اختیار دارند، احساس محرومیت و تنفر و عصبانیت در آن‌ها پیدا می‌شود. این احساس محرومیت، به ویژه زمانی تشدید می‌گردد که افراد توزیع نابرابر منابع را ناعادلانه بدانند و

خود را ناتوان از بهبود موقعیت اقتصادی-اجتماعیشان، احساس کنند. نتایج چندین تحقیق، ارتباط مورد انتظار میان محرومیت نسبی و جرم را تأیید کرده‌اند (پترسون، ۱۹۸۸؛ یسلی، ۱۹۹۸). مک اندرو به بحث و بررسی پیرامون ازدحام پرداخته و اثرات فیزیولوژیکی و رفتاری آن را با توجه به عامل زمان بر تمامی جانوران و از جمله انسان‌ها به دقت ارزیابی نموده و در نهایت به ارزیابی مدل‌های مختلف تئوری روانشناسی ازدحام پرداخته است. در یکی از شاخه‌های جدید علم روانشناسی با عنوان (روان‌شناسی محیطی) شاهد مطالعات و تحقیقات ارزنده‌ای در زمینه امر ازدحام به ویژه ازدحام شهری هستیم. سکونت در شرایط ازدحام بالا بر کلیه رفتارهای مردم اثرات نامطلوبی را گذارده و اثرات منفی طولانی مدتی را در تکوین شخصیت انسان‌ها خواهد داشت^{۲۳} (مک اندرو، ۱۹۹۳ و لانگ، ۱۹۹۹).

دیدگاه اکولوژیکی و اجتماعی معتقد است ازدحام جمعیتی که از پایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی متفاوت برخوردارند، به امر جدایی‌گزینی اکولوژیکی در محیط‌های شهری می‌انجامد. عمده‌ترین دلایل این جدایی‌گزینی، هجوم و توالی اکولوژیکی مهاجرین روستایی به شهرها، هجوم و توالی اکولوژیکی در چهار مرحله نفوذ، هجوم، تثبیت و نهایتاً تراکم و توده می‌باشد (شکویی، ۱۳۷۲: ۳۴). چنین تحولاتی را می‌توان در غالب شهرهای بزرگ جهان سومی و از جمله شهرهای بزرگ ایران مشاهده نمود که منجر به شکل‌گیری حوزه‌های همسان اجتماعی در شهرها می‌شود. دانشمندان علوم اجتماعی معتقدند که ازدحام شهری یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری بسیاری از مسایل و مشکلات اجتماعی جوامع انسانی می‌باشد. به اعتقاد آنان ازدحام شهری مترادف با تراکم بسیار بالای جمعیت در محیط‌های شهری، سقوط کیفیت زندگی و در نتیجه پیدایش فقر شهری می‌باشد (جان فرین، ۲۰۰۰).

در کل می‌توان نظریات در مورد علل حاشیه‌نشینی را به دو گروه تقسیم کرد: الف کارکردگراها و لیبرال‌ها عمدتاً خاص کشورهایی که با نظام اقتصاد آزاد اداره می‌شوند، به ویژه ایالات متحده آمریکا است. بسیاری از محققان لیبرالیست، که از معتقدان و مبلغان مکتب کارکردگرایی می‌باشند، علت عمده‌ی حاشیه‌نشینی را ناشی از کارکرد جاذبه‌های شهری و دافع‌های روستایی به

۲۳- Mc Andrew, Lang

شمار می‌آورند. به نظر آن‌ها افزایش جمعیت یکی از علل مهمی است که زمینه را برای مهاجرت مازاد نیروی کار روستایی فراهم می‌آورد. «عدم دسترسی مهاجرین به مشاغل اقتصادی شهری، همراه با فقر اقتصادی و عدم تخصص آن‌ها موجب می‌شود که آن‌ها مجبور شوند آلودگی‌ها و زائده‌هایی را که در اغلب موارد، فاقد هرگونه تسهیلات شهری، از قبیل آب و برق و تلفن است، برای زندگی برگزینند.» برخی دیگر از کارکردگرایان به عوامل دیگری، غیر از افزایش جمعیت تأکید نموده‌اند، به عنوان مثال هوم هویت^{۲۴} عوامل فیزیکی، مانند زمین‌های رها شده و اراضی نامناسب شهری، و آبرامز^{۲۵}، بالا بودن قیمت زمین و مسکن و برخی دیگر، عوامل اقلیمی را زمینه ساز هجوم مهاجران به مناطق خاصی از شهرها و ایجاد حاشیه نشینی و زائده نشینی می‌دانند (حاج بوسی، ۱۳۸۱؛ پیری، ۱۳۸۴).

ب دیدگاه ساختارگرایان و رادیکالیست‌ها؛ رادیکالیست‌ها که عمدتاً از دیدگاه اقتصاد سیاسی به مسائل می‌نگرند، اگر چه در قبول این اصل، که حاشیه نشینی در کشورهای در حال توسعه، نتیجه‌ی مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ می‌باشد، با کارکردگراها هم عقیده هستند، لیکن برخلاف کارکردگراها، این مهاجرت‌ها را ناشی از خصوصیات کارکردی شهرها نمی‌دانند، بلکه ساختار اقتصادی نابسامان کشورهای در حال توسعه را، که ناشی از ادغام کشورهای مزبور در نظام اقتصادی و تجارت جهانی است، در این امر دخیل می‌دانند. تحلیل گران اقتصاد سیاسی معتقدند: «هنگامی که مناطق دارای اقتصاد معیشتی به جرگه‌ی بازار وارد می‌شوند تولیدات بومی جای خود را غالباً به یکی دو محصول عمده خواهند داد و... جمعیت زیادی به علت دگرگونی ساخت‌های تولیدی، به صورت نیروی کار آزاد شده درآمده، موج‌های عظیم مهاجرتی را موجب می‌شوند (فروغ، ۱۳۷۷).»

دیدگاه نوسازی که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به عنوان رویکردی غالب در ادبیات علوم اجتماعی مطرح شده است، یکی از عوامل مهم برهم ریختن ساختار اقتصاد سنتی و رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود. به موجب این دیدگاه «پیوندی تنگاتنگ بین شهری شدن و توسعه وجود دارد، به گونه‌ای که توسعه‌یافتگی را مترادف با شهری شدن در نظر می‌گیرند.» به طور کلی می‌توان گفت تحلیل گران اقتصاد سیاسی، با اعلام این شعار که: ساختار درونی کشورهای جهان

^{۲۴} - Home Hoyt
^{۲۵} - Abrams

سوم بخشی از نظام جهانی تولید و مصرف است، سعی می‌کنند نقش عوامل ساختاری در مشکلات شهری و از جمله حاشیه نشینی و زاغه نشینی را تبیین نمایند (حمیدیان/۱۳۸۳). در جدول شماره ۲ خلاصه ای از مبانی ذکر شده در بالا آورده شده است.

جدول شماره ۲- خلاصه‌ی مبانی نظری

نویسنده	موضوع	مدل تحقیق	نتایج
هاروی ۱۹۸۳	پیدایش مناطق حاشیه نشینی و نحوه‌ی استفاده از اراضی شهری	رقابتی که بین طبقه‌ی فقیر و ثروتمند صورت می‌گیرد و باعث می‌شود که طبقه‌ی فقیر نواحی پست ارزان قیمت را برای سکونت انتخاب کنند.	ظهور پدیده‌هایی نظیر حاشیه نشینی و ایجاد حاشیه نشینی
لی و بوگ هولزر ۱۹۶۰ و ۱۹۸۱ ۱۹۸۱	مناطق حاشیه نشین	تأثیر عوامل جاذبه و دافعه در ایجاد مهاجرت از مناطق روستایی به شهری	ایجاد حاشیه نشینی
ریچارد بیلز پرو ۱۹۹۶		تأثیر عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روان شناختی در ایجاد مهاجرت	افراد به علت وضعیت نامناسب اقتصادی در پی یافتن فرصت‌های شغلی و درآمد بیشتر می‌باشند.
لویس و همکاران ۲۰۰۳		عوامل بهداشتی و امکانات کم باعث شکل گیری حاشیه نشینی می‌شود.	حاشیه نشینان دارای شرایط بهداشتی ضعیفی هستند و هم از لحاظ زیر ساخت‌ها فاقد امکانات لازم هستند.
یاتک ۲۰۰۰		محرومیت مادی باعث ایجاد حاشیه نشینی می‌شود.	افراد حاشیه نشین از منابع مادی، برنامه‌ها، خدمات و سیاست‌های دولت محروم هستند و بخش منابع مادی (غذا) و پناهگاه) ناعادلانه است.
پلاو، ۱۹۸۲؛ مسنر، ۱۹۸۲؛ ویلیامز، ۱۹۸۴؛ لوفتین و پارکر، ۱۹۸۵	نظریه‌ی قشر بندی اجتماعی	از تکاب جرم با وضعیت اقتصادی جامعه از تباط دارد، از تکاب جرمیکی از منابع و شیوه‌های اصلی کسب معاش برای ساکنان نواحی فقیر نشین است.	تأثیرات استرس زا و غیر انسانی زندگی در شرایط نامساعد اقتصادی ناکامی‌هایی را ایجاد می‌کند که از طریق خشونت جسمی و فیزیکی ابراز می‌شود.
پلاو، ۱۹۸۲؛ بوگر، ۱۹۱۶؛ مرتون، ۱۹۳۸؛ بریت ویت، ۱۹۷۹	نظریه‌ی محرومیت نسبی	از تباط بین محرومیت نسبی و جرم را نشان می‌دهد.	افراد موقعیت اقتصادی خود را در مقام مقایسه با دیگران ارزیابی می‌کنند و زمانی که احساس می‌کنند که دیگران منابع مطلوب بیشتری در مقایسه با آنها در اختیار دارند. احساس محرومیت و تنفر و عصبانیت در آنها پیدا می‌شود.
مک اندرو، ۱۹۹۳؛ لاک، ۱۹۹۹	ازدحام و اثرات فیزیولوژیکی و رفتاری آن را با توجه به عامل زمان بر تمامی انسان‌ها ارزیابی کرده است.	ازدحام بالا باعث اثرات منفی در شخصیت می‌شود.	سکونت در شرایط ازدحام بالا بر کلیه رفتارهای مردم اثرات نامطلوبی را گذارده و اثرات منفی طولانی مدتی را در تکوین شخصیت انسان‌ها خواهد داشت.
جان فرین ۲۰۰۰	دیدگاه اکولوژی و اجتماعی	رابطه‌ی مستقیمی بین ازدحام و رفتار انسانی وجود دارد.	ازدحام شهری یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکل گیری بسیاری از مسایل و مشکلات اجتماعی جوامع انسانی می‌باشد و ازدحام شهر باعث سقوط کیفیت زندگی و در نتیجه پیدایش فقر شهری می‌شود.

مدل تحقیق

با توجه به آن چه در قسمت پیشینه و مبانی نظری تحقیق اشاره شده می‌توان مدل تحقیق را به صورت زیر ترسیم نمود.



شکل شماره ۱- مدل تحلیلی تحقیق

روش تحقیق و گردآوری اطلاعات

در تحقیق حاضر به اقتضای موضوع از روش‌های مشاهده و مصاحبه و با توجه به امکانات، روش پیمایشی^{۲۶} به منزله‌ی مناسب‌ترین روش برای گردآوری اطلاعات مد نظر قرار گرفت. چارچوب تئوریک و سؤال‌های تحقیق نیز، به‌کارگیری روش‌های مشاهده و مصاحبه و روش پیمایشی را برای گردآوری و آنالیز داده‌ها بیشتر امکان‌پذیر می‌سازد.

نمونه آماری این تحقیق را ۳۰۰ نفر از خانواده‌هایی که در مناطق حاشیه نشین زندگی می‌کنند تشکیل می‌دهد. روش نمونه‌گیری، به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده است. نمونه‌های تحقیق به شکل تصادفی ساده از ۵ محله‌ی: عباسی، قراملک، طالقانی، شمس آباد، یکه دکان انتخاب شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

توصیف کلی وضعیت پاسخ‌گویان

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد ۱۷ نفر (۲۷/۳ درصد) از پاسخ‌گویان در رده‌ی سنی کمتر از ۲۵ سال قرار دارند، ۱۷۷ نفر (۴۹/۸ درصد) از پاسخ‌گویان در رده‌ی سنی ۲۵-۴۵ سال قرار دارند و ۳۹ نفر (۹ درصد) از پاسخ‌گویان در رده‌ی سنی بالاتر از ۴۵ سال قرار دارند. نتایج نشان می‌دهد ۱۹۲ نفر (۵۴/۱ درصد) از پاسخ‌گویان را مردان و ۱۰۸ نفر (۳۰/۴ درصد) را زنان تشکیل می‌دهند. آمار توصیفی میزان تحصیلات پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که ۲۰ نفر (۵/۶ درصد) بی‌سواد، ۶۶ نفر (۱۸/۶ درصد) در سطح ابتدایی، ۱۱۶ نفر (۳۲/۷ درصد) زیر دیپلم، ۶۰ نفر (۱۶/۹ درصد) دیپلمه و ۳۸ نفر (۱۰/۷ درصد) از پاسخ‌گویان دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم می‌باشند. در خصوص وضعیت اشتغال پاسخ‌گویان نتایج نشان می‌دهد ۱۳۰ نفر (۲۶/۶ درصد) شاغل (که ۳۵ نفر از پاسخ‌گویان را کارگران، ۲۷ نفر را کارمندان و ۳۰ نفر را بازنشستگان تشکیل می‌دهند)، ۹۲ نفر (۲۵/۹ درصد) بیکار و ۶۷ نفر (۱۸/۹ درصد) خانه‌دار می‌باشند. پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند که درصدد نداشتن شغل دائم به کارهایی از قبیل جوشکاری، لوله‌کشی، مسافرخشی، خیاطی و کارهای دستی مشغولند. ۴۵ درصد از پاسخ‌گویان از شغل خود

^{۲۶}-survey research

رضایت ندارند، ۳۴/۹ درصد از پاسخ‌گویان تا حدودی از شغل خود رضایت دارند. طبق نتایج به دست آمده ۹۰ نفر از پاسخ‌گویان ۱ تا ۵ سال است که بیکار هستند، ۱۲۰ نفر از پاسخ‌گویان به مدت ۵ تا ۲۰ سال بیکار می‌باشند و ۴۰ نفر از پاسخ‌گویان بیشتر از ۲۰ سال است که بیکار می‌باشند. آمار توصیفی فرصت‌های شغلی در شهر در مقایسه با روستا نشان می‌دهد که ۴۵/۴ درصد از پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند که فرصت‌های شغلی در شهرها بیشتر از روستاها می‌باشد و ۲۹ درصد از پاسخ‌گویان گفته‌اند که وضع فرصت‌های شغلی در شهرها خوب نیست و در روستاها بهتر می‌باشد.

آمار توصیفی مربوط به میزان درآمد مردم مناطق حاشیه‌نشین نشان می‌دهد که ۱۲۱ نفر (۳۴/۱ درصد) کمتر از ۲۰۰ هزار تومان، ۳۱ نفر (۸/۷ درصد) بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان، ۶۰ نفر (۱۶/۹ درصد) بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان و ۴۰ نفر (۱۱/۳ درصد) از پاسخ‌گویان بالای ۵۰۰ هزار تومان درآمد دارند. نتایج توصیفی متغیر تعداد فرزندان نشان می‌دهد که تعداد ۱۵۷ خانواده کمتر از ۳ فرزند دارند و ۱۴۳ خانواده بیش از ۳ فرزند دارند. آمار توصیفی تعداد افرادی که زیر یک سقف زندگی می‌کنند نشان می‌دهد که ۱۸۸ خانواده ۴ نفره و کمتر می‌باشند و ۱۱۲ خانواده بیش از ۴ نفر در زیر یک سقف زندگی می‌کنند در حالی که ۸۷ درصد خانه‌های مناطق حاشیه‌نشین با متراژ کمتر از ۷۰ متر می‌باشد.

نتایج نشان می‌دهد که ۲۱۴ نفر (۶۰/۳ درصد) از پاسخ‌گویان اظهار کرده‌اند که خانه‌ای که در آن ساکن هستند متعلق به خودشان می‌باشد و ۸۶ نفر (۲۴/۲ درصد) از حاشیه‌نشینان در خانه‌های اجاره‌ای زندگی می‌کنند. میزان اجاره پرداختی ۴۵ نفر از افرادی که در مناطق حاشیه‌نشین زندگی می‌کنند کمتر از ۱۵۰ هزار تومان، ۲۲ نفر بین ۱۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان و ۱۹ نفر بیشتر از ۳۰۰ هزار تومان اجاره پرداخت می‌کنند. (۱/۷۴ درصد) از خانه‌های مناطق حاشیه‌نشین کمتر از ۲ اتاق دارند و (۳/۱۲ درصد) از خانه‌ها بیش از ۲ اتاق دارند. ۵۳/۸ درصد از مصالح به کار رفته در خانه‌های مناطق حاشیه‌نشین تیر آهن می‌باشد و ۲۵/۸ درصد از خانه‌ها از آجر و چوب ساخته شده است.

آمار توصیفی محل تولد پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که ۱۱۸ نفر (۳۳/۲ درصد) در شهر تبریز متولد شده‌اند، ۲۵ نفر (۷ درصد) از شهرهای دیگر مهاجرت کرده‌اند و ۱۵۲ نفر (۴۲/۸ درصد) از پاسخ‌گویان از روستاها به این شهر مهاجرت کرده‌اند. طبق نتایج به دست آمده از آمار توصیفی مدت سکونت در

محلات (عباسی، قراملک، طالقانی، شمس آباد، یکه دکان) نشان می دهد که ۴۵ نفر (۱۱/۶ درصد) کمتر از ۱۰ سال است که در این محله ها سکونت دارند، ۶۵ نفر (۱۶/۱ درصد) اعلام کرده اند که بین ۱۰ تا ۳۰ سال و ۲۷ نفر (۷/۶ درصد) از پاسخ گویان بیشتر از ۳۰ سال است که در این مناطق ساکن می باشند.

نتایج آزمون تک متغیره ی تحقیق

برای یافتن نتایج تحقیق استنباطی از آزمون تک متغیره ی T-test استفاده شده است. همچنین برای بررسی اینکه پاسخ دهندگان به کدام گزینه بیشتر پاسخ داده اند از میانگین استفاده شده است.

جدول شماره ۳- نتایج آزمون T-test تک متغیره

متغیر	وضعیت مشکلات (درصد)			نتایج T-test	سطح معنی داری
	کم	متوسط	زیاد		
مشکلات اقتصادی	۹	۳۲	۵۹	۱۸.۶	۰.۰۰۰
کمبود درآمد	۱۳	۲۶	۶۱	۱۲.۵	۰.۰۰۰
بیکاری	۱۳	۳۲	۵۵	۲۶	۰.۰۰۰
فقر مسکن					
مشکلات اجتماعی - فرهنگی					
عدم امنیت محل زندگی	۱۳	۲۴.۸	۶۰.۲	۱۰.۱۳	۰.۰۰۰
شلوغی و تراکم جمعیت	۷.۸	۳۵.۵	۶۳.۷	۱۳.۳	۰.۰۰۰
عدم رعایت فرهنگ حاشیه نشینی	۳.۴	۲۵.۴	۷۱.۲	۱۸.۹	۰.۰۰۰
عدم رسیدگی شهرداری ها	۱۷	۲۰	۶۳	۳۲	۰.۰۰۰
تضاد و درگیری قومی و خانوادگی	۱۱.۵	۳۲.۸	۵۵.۷	۱۲.۴	۰.۰۰۰
مشکلات زیستی					
نارضایتی از محل زندگی	۱۵.۵	۲۲.۲	۶۲.۳	۱۸.۷	۰.۰۰۰
سیمای نامطلوب محلات	۱۲.۱	۳۸.۹	۳۹	۱۶	۰.۰۰۰
وضعیت بد مسکن	۷.۹	۳۱	۶۱.۱	۲۳.۸	۰.۰۰۰
مشکل تردد خودروها	۲۹	۲۳	۳۸	۳۷.۸	۰.۰۰۰
نبود مراکز خرید	۳.۴	۳۴.۴	۴۶.۵	۳۰.۳	۰.۰۰۰
عدم دسترسی آسان به وسایل حمل و نقل عمومی	۱۶.۱	۳۰.۷	۳۷.۵	۱۸.۵	۰.۰۰۰
آلودگی محیط	۱۱.۳	۳۸.۳	۳۴.۶	۱۹.۶	۰.۰۰۰
نبود مراکز تفریحی	۲.۳	۳۲.۵	۳۹.۴	۲۹.۶	۰.۰۰۰
مشکلات رفاهی تفریحی	زیاد	متوسط	کم	نتایج T-test	سطح معنی داری
برق	۲۹.۹	۵۲.۲	۱۵.۸	۱.۸	۰.۰۰۰
گاز	۲۶.۸	۵۵.۵	۱۵.۸	۱.۹	۰.۰۰۰
آب	۱۵.۹	۳۳.۲	۵۰.۹	۲.۶	۰.۰۰۰
تلفن	۵۳.۶	۳۱	۱۲	۳.۴	۰.۰۰۰
فضاهای سبز	۸.۵	۳۱.۸	۴۹.۴	۲.۳	۰.۰۰۰
درماتگاه	۱۱	۲۵.۳	۳۷	۲.۳	۰.۰۰۰
بازارچه	۱۲.۴	۳۶.۹	۲۷	۲.۸	۰.۰۰۰

بررسی مشکلات و آسیب‌های اجتماعی ساکنین مناطق حاشیه‌ای (مطالعه موردی: شهر تبریز)

ادامه جدول شماره ۳

خط واحد اتوبوس رانی	۱۹.۱	۳۸.۳	۲۸.۲	۱۴.۴	۱.۸	۱۹.۵	۰.۰۰۰
ایستگاه آتش نشانی	۳.۹	۱۶.۶	۲۳.۴	۵۶.۷	۳.۴	۲۱.۵	۰.۰۰۰
خدمات تاکسی رانی	۱۳.۲	۴۵.۸	۳۲.۲	۸.۸	۱.۵	۱۵.۸	۰.۰۰۰
مشکلات بهداشتی							
فاضلاب	۱۳	۲۶.۲	۳۰.۲	۳۰.۶	۲.۹	۲۵	۰.۰۰۰
سرویس‌های بهداشتی	۳۲.۱	۲۹.۳	۲۵.۶	۱۳	۲.۵	۱۹.۴	۰.۰۰۰
درمانگاه	۲۳	۳۲	۳۵	۱۵	۲.۶	۱۲.۳	۰.۰۰۰
سیستم جمع‌آوری زباله	۳۱	۲۸	۲۱	۲۰	۲.۴	۱۹.۳	۰.۰۰۰
پاکیزگی و بهداشت محیط	۱۱.۳	۳۸.۳	۳۴.۶	۱۵.۸	۱.۹	۱۹.۶	۰.۰۰۰
مراکز پزشکی از قبیل داروخانه، درمانگاه و آزمایشگاه و...	۱۷	۲۴	۴۹	۱۰	۲.۵	۲۴	۰.۰۰۰
مشکلات آموزشی							
مدرسه	۱۸.۲	۲۷.۳	۳۶.۵	۱۸	۲.۷	۱۵.۷	۰.۰۰۰
فضاهای آموزشی	۲۴.۸	۱۳.۸	۵۱.۴	۱۰	۲.۴	۲۵.۳	۰.۰۰۰
معضلات و انحرافات اجتماعی							
فقر	۷۳.۴	۱۱.۶	۱۵	۰	۱.۲	۵.۹	۰.۰۰۰
بیکاری	۶۹.۳	۱۷	۱۳.۷	۰	۱.۲	۶.۶	۰.۰۰۰
دزدی	۴۳	۲۷	۳۵	۰	۱.۳	۶.۶	۰.۰۰۰
قتل	۱۲.۸	۴۸.۲	۳۹	۰	۱.۸	۹.۷	۰.۰۰۰
فحشا	۵۱.۱	۱۴.۷	۳۴.۲	۰	۱.۲	۲۹	۰.۰۰۰
اعتیاد و مواد فروشی	۷۳.۶	۱۵.۶	۱۰.۸	۰	۱.۲	۳۲	۰.۰۰۰

میانگین مشکلات اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و زیستی (۰ «کم» تا ۳ «زیاد») می‌باشد که حد وسط میانگین‌ها ۱.۵ در نظر گرفته شده است طبق میانگین‌های به دست آمده، طیف انتخابی اکثر پاسخ‌گوینان بالاتر از ۱.۵ می‌باشد که نشانگر آن است که اکثریت از شرایط اقتصادی، اجتماعی و زیستی محلات خود ناراضی می‌باشند.

شهر تبریز به نحو گسترده‌ای با معضل حاشیه‌نشینی روبروست، مناطق حاشیه‌ای به صورت کمربندی از شمال غربی تا جنوب شرقی شهر تبریز را در بر گرفته و رشد قارچ‌گونه این مناطق همچنان ادامه یافته، به نحوی که جغرافیای فیزیکی شهر را دست‌خوش ناهمگونی و ناهنجاری‌های شدید کرده است.

زندگی حاشیه‌ای از یکسو می‌تواند تهدیدهایی برای نظام شهری به شمار رود و از سوی دیگر به حاشیه‌راندگی، مسائل و مشکلات زیادی نیز برای ساکنان این مناطق به همراه دارد.

بررسی درآمد ماهیانه خانوار نشان می‌دهد که ۳۴ درصد خانوارهای مورد بررسی، به رغم پرجمعیتیشان، درآمدی زیر ۲۰۰ هزار تومان در ماه دارند. با توجه به ملاک خط فقر شهری، بیش از

۸۰ درصد خانوارهای مورد بررسی در مناطق حاشیه نشین تبریز زیر خط فقر قرار دارند. علاوه بر این، بیش از اکثر ساکنان نیز معتقدند که فقر در این مناطق زیاد است. ۵۹ درصد پاسخگویان بیان داشته‌اند که دارای مشکلات مالی می‌باشند و عمده‌ترین مشکل مالی آن‌ها، بی پولی و نداشتن درآمد برای تأمین معاش خانواده بوده است. سطح معنی داری به دست آمده (۰.۰۰۰) حاکی از آن است که حاشیه نشینان از کمبود درآمد و مشکلات مالی رنج می‌برند. از این رو، حاشیه را می‌توان به عنوان آیینیه تمام نمای فقر شهری در نظر گرفت.

بررسی ساختار شغلی مردان و زنان در مناطق حاشیه نشین تبریز نشان می‌دهد که کارگری شغل اکثر ۳۵ درصد آن‌ها است. حاشیه نشینان در صورت نداشتن شغل دائم به کارهایی از قبیل مشاغل آزاد، رانندگی، مغازه داری و جوشکاری، خیاطی و کارهای دستی و ... از جمله مشاغل مردان و زنان در مناطق حاشیه نشین شهر می‌باشد. از این رو، اکثر حاشیه نشینان شهر تبریز دارای شغل‌های خدماتی و ساختمانی (کارگری) می‌باشند و به مشاغلی نظیر کارگری ساده، رفتگری و دست فروشی می‌پردازند، مشاغل کاذب و غیر تولیدی نظیر کوپن فروشی و سیگارفروشی در میادین و چهارراه‌ها، دست فروشی، دلالی و .. از دیگر مشاغل حاشیه نشینان است. در کنار این مشاغل، یکی از مشاغل پرطرفدار در این مناطق، ایجاد مغازه های بقالی در کنار خانه‌هاست. به طوری که، وجود این مغازه های کوچک و تا حدودی غیربهداشتی در این مناطق، بیش از هر نقطه دیگر به چشم می‌خورد و نگاه مشاهده گر را به خود جلب می‌کند. گاهی نیز در برخی مناطق حاشیه ای شهر حتی افراد برای گذراندن زندگی به نگه داشتن حیواناتی نظیر گوسفند و انواع طیور مبادرت می‌ورزند. به طور کلی با توجه به ساختار شغلی مناطق حاشیه نشین می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال غیرقانونی، کاذب، ناسالم، سیاه و زیرزمینی در میان ساکنان حاشیه نشین غلبه دارد، ساکنان این سکونت گاه‌ها، اغلب فاقد تحصیلات یا توانمندی حرفه ای و مهارت شغلی لازم برای کسب فرصت‌های شغلی بهتر هستند و چنین پیشینه ای مانع از اشتغال آنان در شهر می‌شود. از این رو، معمولاً حاشیه نشینی، در بطن خود نوعی حاشیه نشینی اقتصادی به معنای اشتغال در بخش غیررسمی و عدم جذب در نظام اقتصاد شهری را به دنبال دارد.

در این مناطق مسأله بیکاری به اعتقاد ساکنان به وفور دیده می‌شود ۶۱ درصد معتقدند که بیکاری در این مناطق زیاد است مدت بیکاری آن‌ها بین ۵ تا ۱۰ سال نوسان داشته است. از این رو، یکی از بزرگ‌ترین مشکلات و مسائل حاشیه نشینان تبریز، بیکاری و نبود فرصت‌های شغلی است. این پدیده که خود ناشی از عملکرد ساختار اقتصادی در وجه ملی است، با توجه به نداشتن تخصص و پایین بودن سطح تحصیلات افراد جوای کار، همواره در این مناطق تشدید می‌شود و خود به عامل ایجادکننده انواع آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی در این مناطق مبدل شده است. با استفاده از سطح معنی داری به دست آمده (۰.۰۰۰) می‌توان به این نتیجه رسید که بیکاری و مشکلات مربوط به آن از قبیل اشتغال غیر قانونی و شغل‌های سیاه در مناطق حاشیه نشین یکی از معضلات اجتماعی محسوب می‌شود.

رشد روزافزون شهرنشینی، مسائل و مشکلات جدید و خاصی را در زندگی و روابط انسان‌ها به وجود آورده است. یکی از عمده‌ترین این مشکلات، مسئله مسکن می‌باشد. سیمای مسکن و تجهیزاتی که مراتب رفاه و آسایش ساکنانش را فراهم می‌کند ناشی از وضع اقتصادی صاحبان آن‌ها می‌باشد. به همین دلیل، نامتعارف‌ترین و غیراستانداردترین خانه‌ها در مناطق شهری، متعلق به حاشیه نشین هست. بر اساس مشاهدات انجام شده و نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر نشان می‌دهد، ۵۵ درصد پاسخ‌گویان از شرایط بد مسکن در این مناطق گله‌مند بودند. همان‌طور که سطح معنی داری (۰.۰۰۰) نشان می‌دهد یکی دیگر از مشکلات مناطق حاشیه نشین مشکل مسکن و تراکم بالای افراد در واحدهای مسکونی، تعداد اندک اتاق، برپایی خانه‌های یک شبه ساز و ساخت و سازهای غیرمجاز مسکن با مصالح کم دوام و غیراستاندارد، عدم برخورداری واحدهای مسکونی از حداقل تسهیلات و ضروریات زندگی و تحمیل هزینه‌های مسکن بر بخشی از ساکنان محروم این مناطق از ابعاد مسأله آفرین پدیده مسکن در مناطق حاشیه نشین تبریز می‌باشد. بررسی قوانین مرتبط با حاشیه نشینی و عملکرد در باره آن ماده ۱۰۰ قانون شهر داری مقرر داشته است «شهر داری می‌تواند از عملیات ساختمانی ساختمان‌های بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه به وسیله مأمورین خود اعم از آنکه

ساختمان در زمین محصور یا غیر محصور واقع شده باشد جلوگیری نماید» حال اگر شهرداری‌ها در اعمال مقررات این ماده تعلل یا مسامحه نمایند و در خشت اول جلوی ساخت و ساز غیر مجاز را نگیرند به طبع در مناطقی که مستعد برای شکل‌گیری حاشیه نشینی است هر صبح شاهد روییدن ساختمان‌های غیر رسمی در آن مناطق خواهیم بود که به مرور زمان تبدیل به یک منطقه حاشیه نشینی می‌شوند.

یافته‌های بررسی نشان می‌دهد که میزان رضایت از خدمات رسانی شهرداری در این محله‌ها، بسیار پایین است. ۶۳ درصد پاسخ‌گویان از عدم رسیدگی شهرداری‌ها به مناطق حاشیه نشین ناراضی می‌باشند. حدود ۳۶ درصد از پاسخگویان از زندگی در شهر تبریز و ۶۲/۳ درصد از زندگی در محله خود احساس ناراضی‌تری کرده‌اند که از این میان، حدود ۳۹ درصد به بد بودن محله و محیط نامناسب آن؛ ۷۱ درصد از عدم رعایت فرهنگ حاشیه نشینی و فرهنگ پایین مردم محله ناراضی بوده‌اند.

۶۰ درصد از امنیت در محله، ۳۳ درصد از تضاد و درگیری قومی و خانوادگی در محلات حاشیه نشین ناراضی بوده‌اند.

اصولاً محله‌های حاشیه نشین، به صورت خودرو در زمین‌های بدون برنامه شکل می‌گیرد. به همین دلیل این محله‌ها معمولاً فاقد تأسیسات زیربنایی بوده و شهرداری‌ها و مسئولین شهر، خود را موظف به تأمین تأسیسات آنجا نمی‌دانند. تا زمانی که ساکنان این مناطق به نیروی اجتماعی و سیاسی تبدیل گردند. از طرف دیگر، به علت پراکندگی و گاه دور بودن این اماکن از بافت اصلی، حتی در صورت تمایل مسئولین، تأمین تأسیسات زیربنایی گران و مشکل است. از طرف دیگر، با توجه به این که محلات حاشیه نشین خود را جزئی از شهر می‌دانند، لذا خواستار برخورداری از خدمات شهری همانند سایر نقاط شهر هستند و از آنجا که میزان خدمات رسانی به این مناطق محدود و کمتر بوده، از این رو از خدمات رسانی به این محلات، احساس ناراضی‌تری داشته، خواستار خدمات رسانی بیشتر به این مناطق می‌باشند. سطح معنی‌داری به دست آمده از مشکلات اجتماعی فرهنگی (۰.۰۰۰) نشان می‌دهد مردم ساکن در این محلات از عدم امنیت و

شلوغی و تراکم جمعیت، عدم رعایت فرهنگ شهرنشینی، عدم رسیدگی شهرداری‌ها به این مناطق و به دلیل وجود داشتن تضاد و درگیری‌های قومی و خانوادگی در مناطق حاشیه نشین رنج می‌برند و بسیار ناراضی می‌باشند.

زندگی حاشیه‌ای از یکسو می‌تواند تهدیدها و مسائلی برای نظام شهری ایجاد کند و از سوی دیگر زندگی حاشیه‌ای و در حاشیه ماندن، مسائل و مشکلات عدیده‌ای برای ساکنان این مناطق به دنبال داشته است.

همچنین در بیان مهم‌ترین مسائل و مشکلات زیستی محلات حاشیه نشین به مواردی نظیر نارضایتی از محل زندگی، سیمای نامطلوب محلات، مشکل تردد خودروها، نبود مراکز خرید، عدم دسترسی آسان به وسایل حمل و نقل عمومی، آلودگی محیط و نبود مراکز تفریحی می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که ۶۲.۳ درصد مردم از محل زندگی، ۳۹ درصد از وضعیت نامناسب محلات، ۳۸ درصد از مشکل تردد خودروها، ۴۶.۵ درصد از نبود مراکز خرید، ۳۷.۵ درصد از عدم دسترسی آسان به وسایل حمل و نقل عمومی در مناطق حاشیه نشین ناراضی می‌باشند و سطح معنی داری به دست آمده (۰.۰۰۰) وجود مشکلات زیستی در مناطق حاشیه نشین را تأیید می‌کند.

میانگین مشکلات رفاهی - تفریحی، بهداشتی، آموزشی و انحرافات اجتماعی مناطق حاشیه نشین (۰ «زیاد» تا ۴ «وجود ندارد») می‌باشد که حد وسط میانگین‌ها برابر با ۲ تعیین شده است. میانگین‌ها نشان می‌دهد برق و گاز شهری در مناطق حاشیه نشین به میزان متوسط در دسترس افراد قرار دارد و میزان دسترسی به آب شهری به نسبت تلفن که میزان دسترسی به آن در مناطق حاشیه نشین زیاد است، کمتر گزارش شده است. در مناطق حاشیه نشین فقط حدود ۵۰ درصد ساکنان به آب آشامیدنی سالم دسترسی داشته‌اند. ۵۰ درصد مردم حاشیه نشین از نبودن فضاهای سبز و تفریحی گله‌مند هستند. ۳۲ درصد از عدم وجود بازارچه و مراکز خرید در مناطق حاشیه نشین ناراضی می‌باشند. میزان رضایت از خدمات رفاهی از قبیل (خدمات تاکسی رانی و آتش نشانی و خط واحد) در محله‌های حاشیه نشین پایین می‌باشد. ۴۹ درصد اعلام کرده‌اند که مناطق حاشیه نشین فاقد مراکز

پزشکی (داروخانه، درمانگاه و آزمایشگاه) می‌باشد. سطح معنی داری مشکلات رفاهی - تفریحی (۰.۰۰۰+) وجود مشکلات رفاهی را در مناطق حاشیه نشین تأیید می‌کند.

به رغم آسیب‌شناسان اجتماعی، همه صور و انواع نابهنجاری‌های اجتماعی چون سرقت، قتل، خودکشی، فحشا، اعتیاد، الکلیسم، وندالیسم و نظایر آن، چه به مثابه انحراف (کج روی) و چه در زمره بیماری یا اختلال، معلول ناسازگاری‌های اجتماعی است که بر روابط فرد و جامعه حاکم است و در مناطق حاشیه نشین نمود بیشتری می‌یابد. بررسی آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه نشین، نشان می‌دهد که به اعتراف ساکنان این محلات، فقر و بیکاری، اعتیاد و فروش مواد مخدر، ولگردی، دعوا و درگیری بسیار زیاد است. از این رو، می‌توان گفت که حاشیه نشینی، نمودی از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی است. اعتیاد و فروش مواد مخدر یکی از مسائل و آسیب‌های اجتماعی وخیم و بحرانی در مناطق حاشیه نشین است. به طوری که به رغم بیش از ۷۰ درصد پاسخگویان، اعتیاد و فروش مواد مخدر در این مناطق زیاد است.

همچنین دعوا و درگیری جوانان و ولگردی و بزهکاری، یکی دیگر از جلوه‌های آسیب شناسی اجتماعی این مناطق است. به طوری که بیش از نیمی از پاسخگویان گفته‌اند که ولگردی در این مناطق زیاد است و حدود یک چهارم هم معتقدند که دعوا و درگیری در این مناطق بسیار رخ می‌دهد. از این رو، ولگردی، نخشونت و تنش‌گرایی جوانان از جلوه‌های بارز آسیب شناسی مناطق حاشیه نشین است. علاوه بر این‌ها، در مراتب بعدی در این مناطق، ۵۱ درصد الکلیسم، فساد و فحشا (خودفروشی)، ۴۳ درصد دزدی و سرقت نیز به زعم ساکنان وجود دارد. همچنین وندالیسم در مناطق حاشیه نشین شهر عمدتاً به صورت شکستن چراغ‌های خیابان‌ها و پارک‌ها، تخریب باجه‌های تلفن و شکستن شیشه‌های آن و بریدن سیم گوشی تلفن، شکستن درختان پارک‌ها و از بین بردن چمن آن‌ها، تخریب لوازم تفریحی پارک و اموال اماکن عمومی، پاره کردن صندلی اتوبوس‌های شهری، شعارنویسی روی در و دیوار (به ویژه در مدارس)، از بین بردن مراتع و فضای سبز اطراف و ... نمود پیدا می‌کند. وندال‌ها در این مناطق عمدتاً نوجوانان و جوانان پسر هستند. غالب وندال‌ها مجرد و از نظر تحصیلی ناموفق‌اند، اغلب آن‌ها با سرخوردگی‌ها، شکست‌ها و

ناکامی‌های مختلفی در زمینه‌های تحصیلی، شغلی، مالی، اجتماعی و خانوادگی مواجه بوده‌اند. سطح معنی‌داری به دست آمده از انحرافات اجتماعی (۰.۰۰۰) نشانگر وجود این معضلات و انحرافات در مناطق حاشیه‌نشین می‌باشد.

به‌طور کلی همان‌طور که صدیق سروستانی (۱۳۷۶) بیان می‌کند، حاشیه‌نشین به دو نظام فرهنگی (روستایی و شهری) وابسته است و در عین حال به هیچ‌یک، کاملاً تعلق و تمایل ندارد. در حاشیه‌بودن، به‌گسیختگی از نظام ارزشی پیشین و احساس رهایی نسبی از یوغ کنترل اجتماعی شهری منجر می‌شود و نوعی نبود انسجام و همبستگی را به وجود می‌آورد که علاوه بر افزایش استعداد و قابلیت رشد آسیب‌های اجتماعی، سبب اختلال در نظم و امنیت عمومی می‌شود. بر اساس نتایج به دست آمده از بین مشکلات اقتصادی سهم بیکاری (۶۱ درصد) می‌باشد. که نشان‌دهنده‌ی این است که بیکاری در مناطق حاشیه‌نشینان بیشتر از سایر مشکلات اقتصادی مشکل‌ساز می‌باشد.

از بین مشکلات اجتماعی - فرهنگی سهم عدم رعایت فرهنگ حاشیه‌نشین (۷۱.۲ درصد) و عدم رسیدگی شهرداری‌ها (۵۶ درصد) بیشتر از سایر متغیرها می‌باشد؛ و همچنین از بین مشکلات زیستی نارضایتی از محل زندگی (۶۲.۳ درصد) بیشترین نارضایتی را در بین حاشیه‌نشینان ایجاد کرده است. از بین مشکلات رفاهی - تفریحی، عدم وجود آب شهری (۵۰.۹ درصد)، کمبود فضاهای سبز (۴۹.۴ درصد) بالاترین عامل نارضایتی حاشیه‌نشینان را تشکیل می‌دهد. همچنین (۵۶.۷ درصد) حاشیه‌نشینان اعلام کرده‌اند که در صورت بروز آتش‌سوزی مناطق آن‌ها فاقد ایستگاه آتش‌نشانی می‌باشد. از بین مشکلات بهداشتی، بیشترین نارضایتی متعلق به عدم وجود مراکز پزشکی است که (۴۹ درصد) حاشیه‌نشینان از عدم وجود مراکز پزشکی از قبیل داروخانه، درمانگاه و آزمایشگاه شکایت داشتند؛ و همچنین (۵۱.۴ درصد) از حاشیه‌نشینان کمبود فضاهای آموزشی را یکی از عمده‌ترین مشکلات آموزشی معرفی کرده‌اند. از بین متغیرهای انحرافات اجتماعی فقر (۷۳.۴ درصد) و اعتیاد و مواد فروشی (۷۳.۶ درصد) بالاترین میزان نارضایتی حاشیه‌نشینان در مناطق حاشیه‌نشین را تشکیل می‌دهد.

نتایج مشاهداتی تحقیق

نتایج تحقیق میدانی نشان داد که اکثر حاشیه نشینان شهر تبریز به علت کمی درآمد در خانه های فاقد امکانات زندگی می کنند و همچنین خانه هایی که در آن زندگی می کنند به سختی می توان نام خانه را بر روی آن گذاشت و اکثر حاشیه نشینان مخصوصاً در محلات طالقانی و عباسی فاقد امکانات رفاهی بودند. اکثر حاشیه نشینان دارای شغل های خدماتی و ساختمانی (کارگری) می باشند و به مشاغلی نظیر عملگری، کارگری ساده، رفتگری و دست فروشی می پردازند، مشاغل کاذب و غیر تولیدی نظیر کوپن فروشی و سیگارفروشی در میادین و چهارراه ها، دست فروشی، دلالی و ... از دیگر مشاغل حاشیه نشینان است. در کنار این مشاغل، یکی از مشاغل پرطرفدار در این مناطق، ایجاد مغازه های بقالی در کنار خانه هاست. به طوری که، وجود این مغازه های کوچک و تا حدودی غیربهداشتی در این مناطق، بیش از هر نقطه دیگر به چشم می خورد و نگاه مشاهده گر را به خود جلب می کند. گاهی نیز در برخی مناطق حاشیه ای شهر حتی افراد برای گذراندن زندگی به ننگ داشتن حیواناتی نظیر گوسفند و انواع طیور مبادرت می ورزند. مصرف شوینده ها و مواد تمیز کننده در این مناطق به شدت پایین است به طوری که از ۱۵ خانه ای که در یکی از حاشیه نشین ها بازدید شد تنها در یک خانه صابون وجود داشت. بسته به توانایی مالی ساکنان حاشیه نشین، شرایط خانه هایشان تفاوت دارد. اکثراً مصالح به کار رفته در خانه های مناطق حاشیه نشین آجر، تیر آهن و چوب است. از آنجا که اکثر مناطق حاشیه نشین از خدمات شهرداری بی بهره اند زباله ها به تناسب وضعیت در اطراف جاده رها می شود و یا در یک چاله بزرگ انداخته شده و یا صرفاً در یک محوطه انباشته می شود. در برخی مناطق که تعداد احشام نگهداری می شود زباله ها به یک منبع آلوده کننده دائمی بدل می شوند و حیوانات موذی (از قبیل موش) آنجا را به صورت جولان گاه خود درآوردند. بهداشت غذایی نیز جدای از این مقوله نیست مثلاً در یکی از حاشیه نشین ها هر روزه فروشنده ای یک گونی حاوی ضایعات کشتارگاه را به فروش می رساند که علاوه بر فقدان ارزش غذایی نحوه عرضه و حمل و نقل آن ها نیز به گونه ای است که باعث انتقال بیماری می شود. همچنین در این مناطق مشاهده شد که چهره بسیاری از ساکنان این مناطق به ویژه جوانان، به اعتیاد آلوده است. در این مناطق همه می دانند که محل های توزیع و مصرف (تزریق) مواد مخدر کجاست

و یا چه کسانی آن را توزیع می‌کنند. اکثر مادران و خواهران، دل‌نگران اعتیاد فرزندان و برادران خود و آنان که فرزندان کوچک‌تر دارند، بیمناک آینده آن‌ها هستند. حتی در مشاهدات صورت گرفته، دختران و مادران نیز به اعتیاد و مواد فروشی دچار هستند.

منابع

منابع فارسی

- هاروی، د. (۱۳۷۰)، عدالت اجتماعی و شهر، ت: ف. حسامیان و دیگران، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری فرخو، م؛ و شریفی، ع. (۱۳۸۴)، پیدایش، تکامل فیزیکی و وضعیت اجتماعی و اقتصادی حاشیه نشینی (مطالعه موردی: محله عین ۲ اهواز)، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های جغرافیایی.
- ابراهیمی، م و مسگریان، ع. (۱۳۸۷)، آسیب‌شناسی اقتصادی نقاط حاشیه نشین و ارتباط آن با جرائم ابراهیمی، س. م. (۱۳۸۴) آسیب‌شناسی اقتصادی نقاط حاشیه نشین و ارتباط آن با جرائم - چاپ در مقالات برگزیده همایش حاشیه نشینی و امنیت قضایی. انتشارات دادگستری استان تهران.
- احمدیان، م. ع. (۱۳۸۲) حاشیه نشینی: ریشه‌ها و راه حل‌ها - نشر: اندیشه حوزه. شماره ۴۳ و ۴۴ چیت ساز، م. ع. (۱۳۸۴) بررسی پدیده حاشیه نشینی از دیدگاه جامعه‌شناسی - چاپ در مقالات برگزیده همایش حاشیه نشینی و امنیت قضایی. انتشارات دادگستری تهران
- خدیبوی، م (۱۳۸۶). تأثیر حاشیه نشینی بر توسعه نیافتگی شهرها - نشر: خراسان
- زارع، م. و بیری، ش. (۱۳۸۰) مهاجرت و حاشیه نشینی. نشریه اصلاح و تربیت. شماره ۸۳
- ابراهیم زاده، ع و بریمانی، ف؛ و نصیری، ی (۱۳۸۲)، حاشیه نشینی: مآل‌های شهری و راهکارهای تعدیل آن. موردشناسی؛ کریم آباد زاهدان، فصل نامه جغرافیا و توسعه، شماره ۳، ص ۱۲۱
- اسدالهی، ع و ناطق پور، م. ج. (۱۳۸۵)، بررسی ساختار اجتماعی مناطق حاشیه نشین شهر ایلام، اخذ شده از <http://sociologyofiran.com/index.php> : سایت جامعه‌شناسی ایران
- حسین زاده دلیر، ک. (۱۳۷۰)، حاشیه نشینی: در جستجوی معنی و مفهوم؛ اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۴۶
- زاهدانی، س. (۱۳۶۹)، حاشیه نشینی: چاپ اول انتشارات دانشگاه شیراز.
- زنگی آبادی، ع و ضرابی، ا و خوب آیند، س (۱۳۸۴)، تحلیل علل اقتصادی - اجتماعی حاشیه‌نشینی شهر اصفهان، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی). جلد هجدهم، شماره ۱، ص ۱۷۹
- فریدمن، ج و داکلاس، م. (۱۳۶۳)، توسعه روستا شهری، ت: ع. کیاوند، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.

منابع لاتین

- Park, Y., 2007, the Relationship between Suburbanization and Crime in United States Metropolitan Areas, Dissertation Abstracts International Section A: Humanities and Social Sciences 68 (2007), p. 1171.
- Rabani, R.; Arizi, F.; Varesi, H. & Hoseini, M., 1385, an Investigation of the Influencing Factors I Suburban Settlement and Its Social Consequences in the City of Ahwaz, *Geography and Development*, 4th Year, Vol, 7, spring and summer 1385, Pp. 89-114.
- Lofin, C., and Parker, R. N., 1985, an Errors-in-Variable Model of the Effect of Poverty on Urban Homicide Rates, *Criminology*, 23:269-287.
- Merton, R., 1938, Social Structure & Anomie, *American Sociological Review*, 3, 672-682.
- Lues, J.F.R., P. Venter and H. van der Westhuizen, 2003, Enumeration of potential microbiological hazards in milk from a marginal urban settlement in central South Africa, *Food Microbiology*, No.20, p321-326
- Young, I. M., (2000) , five faces of oppression. In M. Adams, (Ed.), *Readings for Diversity and Social Justice* (pp. 49-35). New York: Rutledge.
- Peattie, Lisa and Jose A. aldrete Haas, 1981, Marginal Settlement in Developing countries, *Annual Review of Sociology*. Vol.7. P.157-175
- Young, I. M., 2000, five faces of oppression. In M. Adams, (Ed.), *Readings for Diversity and Social Justice* (pp. 35-49). New York: Rutledge.
- Blau, J. R., and P. M. Blau, 1982, the Cost of Inequality: Metropolitan Structure and Violent Crime, *American Sociological Review*, 47, 114-129.
- Blau, P.M., and R.M. Golden 1986, Metropolitan Structure and Criminal Violence, *Sociological Quarterly*, 27, 15-26
- Braithwaite, J., 1979, *Inequality, Crime, and Public Policy*, London, Routledge & Kegan Paul.
- Urban crowding remedies Forum (2005) Which World Discussion Student Paper